

وابی سابی

هنر دامن نبودن در زندگی!

نوبت نر به وزوکی

ترجمه‌ی مجیدی پُردل



نشر سنگ

www.ketab.ir



نشان استاندارد بین‌المللی محیط زیست کاغذ بالک FSC

برای تولید این کاغذ، فرایند شیمیایی انجام نمی‌گیرد، دوباره به چرخه‌ی طبیعت بازمی‌گردد و محیط زیست را آلوده نمی‌کند.

سرشناسه: سوزوکی، نوبو، ۱۹۵۷-م. Suzuki, Nobuo, 1957

عنوان و نام پدیدآور: وابی سابی: هنر کامل نبودن در زندگی! / نویسنده سوزوکی؛ ترجمه‌ی مجتبی پردل.
مشخصات نشر: تهران: نشر سنگ، ۱۴۰۱.

مشخصات ظاهری: ۱۴۰ ص. / فروست: فلسفه برای زندگی امروز؛ ۹ / شابک: 978-622-7383-22-5

یادداشت: عنوان اصلی: Wabi Sabi - The Wisdom in Imperfection.

عنوان دیگر: هنر کامل نبودن در زندگی! / موضوع: زیبایی‌شناسی ژاپنی Aesthetics, Japanese

شناسه افزوده: پردل، مجتبی، ۱۳۶۳- مترجم

رده‌بندی کنگره: BH221 / رده‌بندی دیویی: ۱۱۱/۸۵۰۹۵۲ / شماره کتابشناسی ملی: ۸۸۶۳۷۴۶



سایت نشر سنگ:

www.sangpublication.ir

سرویس فضای مجازی:

@sangpublication

پست الکترونیک: نشر سنگ:

sangpublication@gmail.com

شماره‌ی تماس و فروش: ۰۹۳۸ ۱۹۴۲۸

وایی سایی هنر کامل نبودن دوستانه

فلسفه برای زندگی امروز - ۹

نویسنده: نوبینو سوزوکی

مترجم: معینی پردل

ناشر: سنگ

چاپ اول: تابستان ۱۴۰۱

چاپ پنجم: بهار ۱۴۰۴

شمارگان: ۲۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: پردیس دانش

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۳۸۳-۲۲-۵

حق چاپ و انتشار محفوظ و مخصوص نشر سنگ است.

فهرست

۹.....	پیشگفتار
۱۳.....	مقدمه: جادوی نقص و کاستی
۱۷.....	سه بعد وایی سابی
۲۳.....	بخش یکم: فلسفه‌ی وایی سابی
۲۵.....	خاستگاه مفهوم
۲۹.....	ذن و وایی سابی
۳۹.....	به خود و دیگران بیش از حد سخت نگیرید
۴۷.....	درس‌هایی از طبیعت
۵۳.....	بخش دوم: هنر مبتنی بر وایی سابی
۵۵.....	اصول وایی سابی در هنرهای ژاپنی
۶۵.....	زیبایی مایخولیا
۷۳.....	از انعطاف‌ناپذیری به خودانگیختگی
۸۱.....	وایی سابی و خلاقیت

بخش سوم: وایی سایی به عنوان شیوه‌ای از زندگی ۹۱

کامل نبودن به مثابه زاهی به سوی تفوق و اعتلا ۹۳

وایی سایی و انعطاف‌پذیری ۱۰۱

خلق فضا ۱۰۹

مکتب مینمالیسم ۱۱۹

معنویت وایی سایی ۱۳۱

کلام آخر: بهترین نسخه‌ی ناقص خودتان باشید ۱۳۷

پیشگفتار

اولین باری را که اصطلاح وایب سابی به گوشم خورد، به روشنی به خاطر دارم. حدود پانزده سال پیش در یک برنامه، من یزیدی زنده در ژاپن بود. در آغاز مصاحبه واقعاً عصبی و بی قرار بودم، اما بی پرس و جو من و او با همان ژاپنی مقدماتی ام پرسش ها را دنبال کنم و به آن ها پاسخ بدهم. تا این که من متوجه شدم: «نظرتان درباره ی وایب سابی چیست؟» روحم هم خبر نداشت که وایب سابی چیست و برنامه زنده بود! نمی توانستم خیلی راحت گویی ام را بیرون بیاورم و جست و جو کنم. بعد از وقفه ای کوتاه و خجالت آور با مطلبی کاملاً بی ربط پاسخ دادم. روشن بود پرسش را نفهمیده ام.

خجالتی که از آن تجربه احساس کردم مرا به یک ماجراجویی برای مطالعه و یادگیری درباره ی وایب سابی و زیبایی شناسی ژاپنی در کل، واداشت و این ماجراجویی تا امروز نیز هنوز ادامه دارد. بی گمان وایب سابی یکی از آن چیزهای فوق العاده ای است که از مردم ژاپن آموخته ام و این مفهوم تأثیر نیرومندی بر این که در مقام یک انسان کیستم و نیز بر جهان بینی ام داشته است.

از همه ی دوستان ژاپنی ام، همکارانم، نامزد، از همه ی افراد تازه ای که به آن ها برمی خوردم، پرس و جو کردم: وایب سابی چیست؟ نظرتان درباره ی وایب سابی چیست؟ وایب سابی برای شما چیست؟ پس از مدتی، متوجه شدم هیچ دو پاسخی مثل هم نیستند، اما همه ی آن ها جوهره ی مشترکی داشتند: همه چیز در زندگی و

عالمی که در آن زندگی می‌کنیم یک سره ناقص و ناپایدار است.

مدت زیادی نگذشت که دریافتیم وایی سابی چیزی بیش از یک زیبایی‌شناسی است. به زندگی مربوط می‌شود، به انسان و حتی به عالم در کل. درباره‌ی ماهیت زودگذر چیزهاست و آموختن چگونگی پذیرش این واقعیت و حتی استقبال از آن. وایی سابی بافته‌ای نامرئی است که هنر، سبک زندگی، معماری، تاریخ، فلسفه، دین‌های ژاپنی و حتی شیوه‌ی تفکر، رفتار اجتماعی و ذهنیت ژاپنی‌ها را به یکدیگر پیوند می‌دهد. شیوه‌ی تفکر غربی و به گونه‌ای ویژه‌تر مدرنیته، همه‌ی ما را به سوی این شیوه‌ی اندیش‌خوق می‌دهد که تمامی کارهایی که می‌کنیم هدف غایی کاملی دارند. ما را به موفقیت و شادکامی رهنمون می‌شوند. نوبتو سوزوکی کمک می‌کند درباره‌ی این هدف معطوف به موفقیت تأمل کنیم و نیز در این باره که چه‌سان زندگی را در شهرهای مدرن و امروزی به سر می‌آوریم. حرف‌های او به من کمک کردند تا به خاطر ارزش کمال اصلاً وجود خارجی ندارد؛ تنها در ساحت تخیل انسانی ما حضور دارد. (و ما با هم در ریاضیات).

واایی سابی واقعیت است. کمال وجود ندارد.

پس از فرورفتن در دریای حکمت وایی سابی، نگاهم رفته رفته به ژاپن عوض شد. متوجه شدم به کاسه‌های ژاپنی همراه با شیفتگی نگاه می‌کنم و نه با بی تفاوتی، آن سان که وقتی جوان‌ترم بودم چنین نگاهی داشتم. همچنین از باغ‌ها، شعر، سفال‌گری، گل‌آرایی و معماری ژاپنی لذت بیشتری می‌بردم و و بیش‌تر تحسین‌شان می‌کردم. تغییر در شیوه‌ی تفکر و طرز نگاهم فقط به این که چگونه ژاپن و چیزهای ژاپنی را می‌بینم محدود نمی‌شد. وقتی دوباره در اروپا مشغول سفر بودم، متوجه شدم علاقه‌ی تازه‌ای به تمامی انواع هنر و همین‌طور به مردم پیدا کرده‌ام؛ به سبک‌های مختلف زندگی و نیز به خانواده و دوستانم با تمامی نقص‌ها و کامل نبودن‌های شگفت‌انگیزشان. همه چیز برایم ارزش تازه‌ای پیدا کرده بود.

با مرور گذشته، مطلب بامزه‌ای دریافتیم: لازم نبود از پاسخی که در آن برنامه‌ی تلویزیونی دادم خجالت‌زده باشم، چرا که وایی سابی را واقعاً نمی‌توان توضیح داد، پاسخ من احتمالاً «درست» بوده است. وانگهی، ایرادی ندارد اگر کامل نیستیم، ایرادی ندارد اگر مطلبی را نمی‌دانیم. (حتی اگر در تلویزیون باشد).

«وایی سابی، هنر کامل نبودن در زندگی» کندوکاوی زیباست که از مبانی وایی سابی شروع می‌کند و وارد معنای ژرف‌تر آن در تمامی ابعادش می‌شود. این کتاب مدعی عرضی توضیحی نهایی درباره‌ی فلسفه‌ی وایی سابی نیست، بلکه باعث می‌شود بخوبی دل به دریای این مفهوم بزنید و به این شکل، شیوه‌ی احساس و تفکر درباره‌ی خود و جهان را که همه در آن شریکیم، تغییر دهید.

پس از خواندن این کتاب، خودم را در همه‌ی زمینه‌های زندگی روزانه‌ام نسبت به وایی سابی آگاه‌تر یافته‌ام. هنگام کار کردن و تعامل با دیگران، وقتی در طبیعت یا در شهر قدم می‌زنم و وقتی کارهای انجام نمی‌دهم. همچنین بیش‌تر به درد ورنجی آگاه شده‌ام که وقتی برخلاف وایی سابی زندگی می‌کنیم خودمان را دچارش می‌کنیم. وقتی پیوسته می‌کوشیم به زندگی‌مان کمال ببخشیم، از نردبان موفقیت «بالا‌تر» برویم، شغل «بهتری» دست‌وپا کنیم، خانه‌ی «بهتری» بخریم، روال‌های روزانه‌ی «بهتری» داشته باشیم و در همه چیز «بهتر» باشیم. در جهان امروزی، ما آلوده‌ی افکاری مانند این‌ها شده‌ایم. «شانس انجام فلان کار را از دست دادم»، «به اندازه‌ی کافی موفق نیستم»، «هیچ‌گاه به‌خوبی ... نخواهم بود» و به این ترتیب خودمان را متقاعد می‌کنیم بی‌عرضه و بی‌ارزشیم. ولی نباید چنین کنیم. ما موجودات زیبایی هستیم که ارزش‌های مدرن، اهداف و انتظارات‌مان را کژوکور ساخته‌اند. چرا هدف ما همگی باید زندگی کامل و بی‌عیب و نقصی باشد که حتی وجود خارجی ندارد؟

وایی سابی به این مربوط می‌شود که یاد بگیریم هر چه هستیم و هر چه در همین

لحظه داریم هیچ ایرادی ندارد. وابی سابی به معنی سلب مسئولیت از ما برای تلاش به منظور پیشرفت و احساس زنده بودن نیست. به این معناست که وقتی متوجه شدیم بالقطعی کنونی مان مشکلی نداریم، هر روز به جلو حرکت کنیم. گام به گام، نه با این هدف که به کمال دست یابیم، بلکه با این هدف که به بهترین نسخه‌ی خودمان تبدیل شویم. کشف کنیم جوهره‌ی واقعی یا ایکیگای مان چیست. این ایده که برای پیش رفتن و برای بهتر شدن باید خودمان را از چنگال انتظارات غیرواقعیانه رها کنیم که از مطالب نغز فراوانی است که در صفحات این کتاب پیدا خواهید کرد. بدون شک، آگاهی از دریاه‌ی وابی سابی اکنون نسبت به زمانی که حدود پانزده سال پیش برای نخستین بار این اصطلاح را شنیدم بیش تر شده است. اما همچنین می‌توانم بگویم هر چه پیش از دریاه‌ی وابی سابی می‌دانم، ژرف تر در وجودم ریشه می‌دواند و هیچ گاه از آن رخصت نخواهم شد.

این کتاب مراد در سیر و سفر است به وابی سابی داشته‌ام به جاهای جدیدی برده است. چشم‌اندازش شور و اشتیاقم را برای تجربه‌ی زنده بودن در جهان همان طور که هست تازه می‌کند و کمک کرده است با قدر فلسفه‌ی وابی سابی را بیش تر از این‌ها بدانم و آن را همچون راهنمایی برای زیستن زندگی‌ام گرامی بدارم. بیایید تا خروشتن ناقص خود و نیز جهان ناقص من را با آغوشی باز پذیرا شویم، زیبایی این جهان را ببینیم و به این صورت آن را زیباتر از آنچه هست کنیم. کتاب نویوئو سوزوکی می‌تواند شما را در این مسیر قرار دهد. امیدوارم به اندازه‌ی من از خواندن این کتاب لذت ببرید.

— هکتور گارسیا^۱

توکیو، اکتبر ۲۰۲۰

۱. هکتور گارسیا با نوشتن کتاب «ایکیگای»، راز ژاپنی‌ها در داشتن عمر طولانی و زندگی شاد (همراه با فرانچسکو میرالس) به شهرت رسید. او اسپانیایی است، اما از سال‌ها پیش به ژاپن نقل مکان کرده است.

مقدمه

جادوی نقص و کاستی

می گویند راهبی مسئول باغی بود که یک صومعه‌ی ذن در ژاپن بود. این راهب عادت عجیبی داشت. وقتی برگ‌های درختان را که روی پیاده‌رو سنگی افتاده بودند جارو می کرد، درست پیش از آن که به درون خانه برگردد، می گذاشت تا برگ‌های روی زمین بیفتند.

چرا چنین می کرد؟

یک دلیل این که زمان زیادی نمی گذشت که خود درختان، پیاده‌رو را با برگ‌های طلایی شان می پوشانند. دلیل دیگر آن که ایده آل زیبایی نزد ژاپنی‌ها در پی کمال، یکدستی و تقارن دقیق نیست، بلکه طبیعی بودن است. همان زیبایی‌ای که برگ افتاده در باغچه‌ی خالی صومعه‌ی ذن نمودار می سازد.

یکی از مشخصه‌های متمایز ساز فرهنگ ژاپنی مفهوم غرب زیبایی نزد آنهاست. برای غربی‌ها و حتی برای چینی‌ها نیز زیباترین فتنان فتنانی است که بی عیب و نقص از کار درآمده است، با محیطی کامل، سطحی صاف و بی خدشه و - در صورت داشتن زیب و زیور - آرایش دقیق و یکپارچه آذین‌ها.

با این همه در ژاپن گران قدرترین و گران قیمت ترین فتنان عموماً فتنانی است که شکستگی دارد، چرا که این نقص آن را تک می سازد. این فتنان ممکن است

فرورفتگی داشته باشد، ماسه سنگ به آن چسبیده باشد یا حتی ترک برداشته باشد یا از طریق هنر کیتسوگی، که بعداً در همین کتاب درباره‌اش صحبت خواهیم کرد، تعمیر شده باشد. این فنجان خاص، علاوه بر تک بودن و روایت داستان ویژه‌ی خودش، روح ژاپنی وابی سابی را نیز نمودار می‌سازد، مفهومی که زیبایی را در شباهت به طبیعت می‌داند و می‌توان در سه اصل زیر خلاصه‌اش کرد:

۱. هیچ چیز کامل نیست.

۲. هیچ چیز تمام شده نیست.

۳. هیچ چیز همیشه ماندگار نیست.

در مورد انسان‌ها، آگاه بودن به نقص و کامل نبودن باعث می‌شود فروتنی پیشه کنیم. پذیرش نقص و کامل نبودن ما را از آن می‌رهاند که به گونه‌ای ناسالم از خودمان توقعات بی‌جا داشته باشیم و روی کمالی تثبیت شویم که در طبیعت وجود خارجی ندارد و در مفهومی گسترده‌تر در انسان‌ها نیز موجود نیست.

هر کس باور داشته باشد به علو و تعالی رسیده هم در اشتباه است، چون همیشه برای پیشرفت بیش‌تر جا هست و هم انعطاف‌پذیری ندارد. چنین کسی، مطمئن از حقیقت مطلق و ذهنی خودش، هیچ فرصتی برای رشد ندارد. چنین شخصی متعصب و خشک‌مغز است و نشاط و سرزندگی ندارد.

به سراغ اصل دوم که برویم، وابی سابی به یادمان می‌آورد دقیقاً هیچ چیز قطعی نیست و انسان‌ها نیز مانند طبیعت، پویا هستند.

خود بودا زمانی می‌گفت: «من هماره در حال آغاز کردنم».

پیشه ساختن رویکردی مبتنی بر وابی سابی به زندگی به این معناست که پس از پذیرش نقص و کاستی‌تان، پیوسته در حال آموختن باشید و فرض را بر این بگذارید که هیچ کاری هنوز به پایان نرسیده است و در نتیجه همه چیز را هنوز باید تجربه کرد.

سومین اصل وابی سابی پذیرش ماهیت گذرای هر آن چیزی است که وجود دارد، مفهومی که ما را دوباره به ذن برمی گردانند. در این جانیز یک بار دیگر به سراغ بودا می رویم که هنگام سخن گفتن از رنج خاطر نشان می کرد، یکی از دلایل آن این است که انسان ها پایداری چیزهایی را می خواهند که ذاتاً گذرا هستند. جوانی پر می کشد و می رود و به بلوغ و سپس سالخوردگی تبدیل می شود. آن تلوزیون عالی و محشری که به تازگی خریده اید بالاخره یک روز خراب می شود یا از مد می افتد و از رده خارج می شود. آن شخصی که آن قدر جذاب و بامزه به نظر می رسید دیگر باعث شگفتی تان نمی شود یا بسا از هم جدا شده باشید زیرا مثل دو شاخه ی یک درخت، در دو سوی مخالف یکدیگر رشد کرده اید.

پذیرش این که هیچ چیز همیشه ماندگار نیست، به جای آن که غمزه مان کند، الهام بخش مان می شود تا ارج و قدر اظهاری حال را، تنها چیزی که می توانیم اینک و اکنون به دستش یاوریم، بدانیم. این اصل دعوتی است برای این که با همه ی وجود به هر آن چیزی که ممکن است مشغول انجامش باشیم دل بدهیم. ممکن است آخرین باری باشد که برای قدم زدن به پارک می رویم، اما اگر طوری رفتار کنیم که انگار داریم با زندگی وداع می کنیم، آن گاه این قدم زنی به همه ی قدم زدنی های دنیا خواهید ارزید.

برای مفهوم زیبایی نزد ژاپنی ها، درست همان طور که فوجان سگسته یا تعمیر شده بیشترین ارزش را دارد، برگ خشکی که در شرف افتادن از شاخه ای عربان است تأثیر گذارتر از دشتی انبوه و پر از گل است. این همان جادوی وابی سابی است که با پیشکش افقی جدید از حساسیت، رشد و کام بخشی، الهام بخش زندگی مان می شود.

مراقبه

قارقار کلاغ‌ها

توروی^۱ پوشیده از برف که همچون بوکوشی ای^۲ درون یک کلاه است

سنگینی برف که شاخه‌های درختان را خمانده

آبی که از فواره می‌جوشد و باریکه راهی در دل برف‌ها باز می‌کند

صدای قدم‌هایم که در برف خفه می‌شوند

آیا من جزئی بسیار کوچک از این باغچه‌ی ناقصم؟

یا آن‌که این باغچه بخشی از من است، بخشی از عالم من؟

۱. tōrō برجک سنگی.

۲. bokushi راهب.